

نسبت وام به نقدینگی	سال
۱,۱۹	۱۳۸۰
۱,۲۸	۱۳۸۱
۱,۲۸	۱۳۸۲
۱,۲۶	۱۳۸۳
۱,۲۰	۱۳۸۴
۱,۱۵	۱۳۸۵
۱,۱۸	۱۳۸۶
۱,۱۴	۱۳۸۷
۱,۰۶	۱۳۸۸
۱,۱۸	۱۳۸۹
۱,۱۷	۱۳۹۰
۱,۱۰	۱۳۹۱
۱,۱۸	میانگین

یعنی برای تسویه بدهی
به نظام بانکی،
کل نقدینگی کشور
نیز کفایت نمی کند

نسبت ذخایر قانونی به کل اسکناس و مسکوک	سال
۱,۶۰	۱۳۸۰
۱,۶۷	۱۳۸۱
۱,۷۸	۱۳۸۲
۱,۹۳	۱۳۸۳
۲,۲۶	۱۳۸۴
۲,۷۱	۱۳۸۵
۲,۶۴	۱۳۸۶
۱,۰۱	۱۳۸۷
۱,۰۲	۱۳۸۸
۰,۸۷	۱۳۸۹
۱,۰۶	۱۳۹۰
۱,۲۶	۱۳۹۱
۱,۶۶	میانگین

یعنی بخش قابل توجهی از ذخایر قانونی که به هدف مواجهه با هجوم بانکی برای نقد شدن سپرده ها نگه داری شده اند، خود، بدون پشتوانه هستند!

نسبت مجموع ذخایر (قانونی و دیداری) به کل اسکناس و مسکوک	سال
۲,۰۶	۱۳۸۰
۲,۲۰	۱۳۸۱
۲,۰۲	۱۳۸۲
۲,۱۰	۱۳۸۳
۲,۹۲	۱۳۸۴
۳,۱۲	۱۳۸۵
۳,۱۱	۱۳۸۶
۱,۶۱	۱۳۸۷
۱,۵۶	۱۳۸۸
۱,۲۱	۱۳۸۹
۱,۳۴	۱۳۹۰
۱,۵۵	۱۳۹۱
۲,۰۷	میانگین

براساس نظریه بانک داری متعارف، ذخایر نمی تواند از مجموع اسکناس و مسکوک منتشر شده در اقتصاد بیشتر شود

اما در ایران این اتفاق افتاده است!

توضیح

✘ کلیه اطلاعات آماری که در بالا ارائه گردید، بخشی از واقعیتی هستند که

هرساله در نظام بانکی ما رخ می دهد. این اطلاعات آماری، خلاف آن اصول اولیه ای است که در اقتصاد و علوم بانکداری، آموزش داده می شود.

✘ چگونه می شود درصدی از سپرده ها را ذخیره نمود و بقیه را وام داد، ولی با

این حال میزان وام های خلق شده از سپرده ها، و حتی از نقدینگی، بیشتر باشد؟ در نظام بانکداری ایران با اینکه نسبتی از کل سپرده ها ذخیره می شود،

اما وام از سپرده ها پیش افتاده است. مگر می شود سن فرزند از سن مادرش جلو بزند؟

✘ بانکها با اینکه نرخ ذخیره قانونی را رعایت نموده اند، اما ۱۲۳.۱۶ برابر اسکناس

نزد بانکها و بانک مرکزی سپرده منتشر نموده اند!

✘ این معماها، وقایعی هستند که هر ساله در آمارهای منتشر شده از سوی بانک مرکزی تکرار می شوند.

✘ آیا توضیح نظری قابل قبولی برای این پدیده-های عجیب ولی واقعی وجود دارد؟ چه نسبتی بین این پدیده ها و مشکلات اقتصادی کشور نظیر تورم و رکود، می تواند وجود داشته باشد؟

✘ اگر این وقایع صحت داشته باشد، آیا باز هم می توان گفت که مقامات پولی می توانند عرضه پول را کنترل کنند؟ آیا این عجایب از اجرای ناصحیح قاعده نظام بانک داری متعارف در ایران حکایت دارد؟ یا نه، اصل نظریه، دارای اشکال است؟

چرا نسبت های عجیب؟

نظریه بانکداری متعارف

✘ بانکداری متعارف بر مبنای اصل ذخیره جزئی فعالیت می کند.
براساس ادبیات نظری، عملیات بانک مرکزی برای کنترل حجم پول، نقدینگی و مدیریت سیاست پولی، تحت نظام بانکداری ذخیره ای، را می توان براساس رابطه زیر تشریح نمود:

$$\text{پایه پولی} * \text{ضریب فزاینده} = \text{حجم پول}$$

یعنی

بانک مرکزی برای افزایش حجم پول، یا باید پایه پولی را افزایش

دهد و یا باید ضریب فزاینده را (از طریق کاهش نرخ ذخیره قانونی) کاهش

دهد. اگر رابطه حجم پول صحیح باشد، آنگاه:

✘ همواره سپرده های بانکی از وام های بانکی بیشتر خواهد بود.

✘ ذخایر قانونی و دیداری حداکثر برابر با موجودی اسکناس و

مسکوک خواهد بود (اگر شبکه بانکی بخواهد از تمام توان قانونی خود برای اعطای وام

استفاده نماید، درغیراین صورت، ذخایر بانکی باید کمتر از موجودی اسکناس و مسکوک باشد)

افزایش حجم پول و نقدینگی

در شرایط ثابت ماندن ضریب فزاینده و پایه پولی

✘ اما راه های مختلفی وجود دارد که شبکه بانکی، ضمن رعایت سقف ذخایر قانونی، بتواند به عرضه بیشتر پول اقدام نماید:

✘ راه اول: بازپرداخت وام های قبلی

✘ راه دوم: انتقال سپرده ها بین اشخاص

✘ راه سوم